

رسول پویان

جنگ و صلح

جنگ و صلح ما به غرقاب بلا افتاده است
سرنوشت ما به جنگال سیا افتاده است
میهن ما کوره جنگ و تباهی گشته است
مردم بیچاره هرسو بی نوا افتاده است
چین و پاکستان و امریکا تباہی کرده اند
لیک روس و هند و ایرانی جدا افتاده است
داعش از اقصای عالم سوی میهن می دود
بیم جنگ سخت و خونین درخفا افتاده است
طالب قاتل به کاخ سلطنت ره می برد
طرح پاکستان و امریکا به جا افتاده است
گرگ چوپانی کند در بین خیل بره گان
ارگ کابل تا که در راه خطا افتاده است
با دروغ و حیل خود را مردمی جا می زنند
تا چه حد میهن فروش وبی حیا افتاده است
زخم میهن را جفاکاران سراطون کرده اند
پیکر خونین کشور بی دوا افتاده است
کرگسان در آسمان مملکت پر می زنند
تا ز هندوکش و بابایم، هما افتاده است
عیش و مستی در دل آزادگان خوناب گشت
عشق در دام دسایس بی صدا افتاده است
پاک می سوزد تمام هست و بود میهنم
آتشی در خانه فقر و غنا افتاده است
نعش آزادی به زیر پای گرگان خاک شد
حق ذاتی بشر هم از هوا افتاده است
قصه دوران عدل پارلمان متروک گشت

اصل انسانی تو گویی از سنا افتاده است
شام و بغداد و یمن باشد مثال واقعی
طشت رسوایی ز بام دوهوا افتاده است
غیرجنگ و وحشت خونین نباشد حاصلی
تا لگام ما به دست مافیا افتاده است
جنگ قدرت هست و بودعالمی را آرد کرد
خون انسان در گلوی آسیا افتاده است

2016/2/23